



موکب‌داران ناشنوای اهل بصره در آغوش بارگاه رضوی

در سال ۱۴۰۴ کاروان ۴۴ نفره زائران ناشنوای موکب امام سجاد (علیه السلام) از بصره عراق، بادللی سرشار از اهدات و چشمانی پر از اشتیاق، قدم در راه زیارت بارگاه نورانی هشتمین امام، گذاشتند. این سفر، نه تنها سفری به سوی حرم مطهر رضوی، بلکه روایتی بود از پیوند عمیق ایمان، محبت و مهمان‌نوازی که از مرزهای بصره تا قلب معنوی ایران، در مشهد مقدس، امتداد یافته بود. خادمان رضوی با آغوش باز و بر نامه‌هایی سرشار از معنویت، این زائران را همراهی کردند تا در این سفر، سکوتشان به نغمه زیارت و دل‌هایشان به نور معرفت، مزین شود. کاروان ۴۴ نفره موکب امام سجاد (علیه السلام) شهر بصره عراق به مشهد مقدس، شامل ۴۰ زائر اولی ناشنوا و چهار نفر از عوامل اجرایی و خادمان موکب بودند. این موکب به‌طور ویژه توسط افراد ناشنوا اداره می‌شد که امکان تکلم نداشتند، اما با خدمت خالصانه خود در ایام ربیعین، قلب‌های بسیاری را به سوی خود جلب کرده بودند. این زائران روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه از طریق مرز ایران وارد کشور شدند و در بدو ورود، مورد استقبال گرم خادمان کانون‌های خدمت رضوی استان خوزستان، قرار گرفتند. آنها به همراه یک مدیر و روحانی مسلط به زبان‌های عربی و فارسی، سفری معنوی را آغاز کردند که شامل زیارت حرم حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در قم و حرم امام رضا (علیه السلام) در مشهد بود.

شهادت امام رضا (علیه السلام) هم‌شامگاه یکشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۴ در رواق دارالهدایه حرم مطهر رضوی برگزار شد. پس از آن ویژه برنامه «اشاره مهر» نیز برای ناشنوایان و کم‌شنوایان در حرم مطهر بعد از نماز مغرب و عشاء در دارالقرآن الکریم تدارک دیده شد. در این برنامه معنوی علاوه بر بیان معارف اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) مداح و ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) بازبان اشاره به مرثیه‌سرایی و ذکر مصیبت شهادت امام رضا (علیه السلام) پرداخت. هدف از این برنامه فراهم کردن فرصت برابر برای همه اقشار جامعه به ویژه افراد دارای نیازهای ویژه بود تا از معارف اهل بیت (علیهم السلام) بهره‌مند شوند.

از دوست به يك اشارت، از ما به سرودیدن

همچنین ناشنوایان در محرم سال ۱۴۰۴ از شهرهای دیگر، با شور و شوقی وصف‌ناشدنی در حرم گرد هم آمدند. همه لباس سیاه بر تن داشتند و نگاه‌هایشان پر از شوق، حزن و اندوه بود. صحن و دارالقرآن حرم با پرده‌های مشکی و پرچم‌های عزای امام رضا (علیه السلام) مزین شده بود، فضایی آرام و باوقار که تنها صدای حق‌هق‌گریه و حرکت آرام دست‌ها را بر پرده بود. سکوت اشک در همه جا آکنده شده بود. فضای پر بود از اشاره دست‌هایی که حکم زبان داشتند. حالانویست چشم‌ها بود که ببینند، بشنوند و در عزای سید و سالار شهیدان بگریند. اشاره‌های انگشتان دست روایتگر زخم‌ها، غم‌ها و مصائب اهل بیت (علیهم السلام) بودند. همه چیز در سکوتی غم‌بار ادامه داشت. سکوتی که حرف بسیار داشت و در پی یک اشارت بود «از دوست به یک اشارت، از ما به سرودیدن». آن شب صحن‌های حرم رضوی در سکوتی خاص فرو رفته بود، همراه بانواری ملایم و حرکات آرام و دقیق، دستانی که با اشاره، پاره‌ای از تاریخ و اندوه را منتقل می‌کردند. در پیچه‌ای ساخته شده برای دل‌هایی که با زبان متفاوتی به عشق اهل بیت (علیهم السلام) سخن می‌گفتند؛ جایی که بی‌زبان هم زبان اندوه و عشق می‌شد. در آن شب مرثیه خوانی بدون صدا، اما پرطنین‌تر از هر نوای صوتی به گوش جان می‌نشست. هر اشاره، کلمه‌ای بود از جان، هر حرکت دست، پیام محبتی بود که فراتر از شنیدن، قلب را تکان می‌داد و می‌لرزاند.

